زمینه‌ها و دلایل حمله نیروهای ویژه جمهوری آذربایجان به نارداران(۱)

سرکوب شیعیان توسط دولت باکو با مشورت صهیونیست‌های اروپا و آمریکا

■ **برهان حشمتی**

HER FİRAVUN'A BİR MUSA HER YEZİD'E BİR HÜSEYİN
YOU WILL PAY HIGH PRICE
YAŞASIN AZERBAYCAN BAŞÖRTÜSÜ DİRENİŞİ

*** باگسترش فعالیت‌های اتحاد مسلمانان جمهوری آذربایجان ارگان‌های تنظیم‌کننده سیاست‌های دولت جمهوری آذربایجان در حوزه دین همکاری‌های گسترده‌ای را با سازمان‌های یهودی- صهیونیست در آمریکا و اروپا انجام داده و هرگونه فعالیت دینی اسلامی را مغایر با اصل تساهل دینی قلمداد کردند تا فضای ذهنی لازم برای سرکوب فعالیت‌های شیعی و تجمعات عزاداری و نمازهای جماعت فراهم شود.**

***

در دومین حمله غافلگیرانه نیروهای ویژه وزارت کشور جمهوری آذربایجان (باندوتدل - اداره مبارزه با جرایم سازمان یافته) به قصبه نارداران در روز پنجشنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۱۵ میلادی (۵ آذر)، چهار تن از شرکت‌کنندگان در نماز جماعت مسجد نارداران به شهادت رسیدند و دستکم ده تن مجروح شدند.

وزارت کشور جمهوری آذربایجان مدعی شده است که در جریان مقاومت اعضای سازمان «جنبش اتحاد مسلمانان» جمهوری آذربایجان در برابر نیروهای مهاجم باندوتدل به نارداران، دو نیروی پلیس نیز کشته شده‌اند. اما، منابع نارداران تاکید دارند که نمازگزاران شرکت‌کننده در نماز جماعت به امامت حجت‌الاسلام طالع باقرزاده، در مقابله با حمله نیروهای ویژه وزارت کشور هیچ‌گونه سلاحی در اختیار نداشته‌اند و به احتمال قوی وزارت کشور جمهوری آذربایجان براساس طراحی قبلی، دو تن از نیروهای خود را نیز قربانی کرده است تا با ملتهب‌تر کردن فضا، امکان سرکوب شدیدتر و ایجاد رعب و وحشت در کل کشور را برای خود فراهم کند.

به‌خصوص که همزمان با حمله به نارداران، در شهر گنجه نیزدوتن از فعالان جنبش اتحاد مسلمانان دستگیر شده و مطابق معمول، وزارت کشور جمهوری آذربایجان آنها را به در اختیار داشتن نارنجک و مواد مخدر متهم کرده است.

همزمان با حمله نیروهای «باندوتدل» وزارت کشور جمهوری آذربایجان به نارداران، نیروهای ویژه پلیس لنکران نیز با محاصره مسجدی در این شهر، عملیاتی را برای دستگیری حاج الهام آقایوف، یکی از روحانیون این شهر انجام دادند.

همچنین حجت‌الاسلام میکاییل ذوالفقارزاده، یکی دیگر از منبری‌های مشهور جمهوری آذربایجان همزمان با حمله به نارداران، توسط نیروی پلیس باکو در بیله جری در حومه پایتخت جمهوری آذربایجان بازداشت شد.

تمامی این موارد نشان می‌دهد که طرحی گسترده و حساب شده علیه شیعیان جمهوری آذربایجان به اجرا گذاشته شده است که موج دوم سرکوب فعالان شیعه در دوره ریاست جمهوری الهام علی اف به شمار می‌رود.

موج اول سرکوب فعالان شیعه در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی در آستانه برگزاری مسابقه ابتذالی یوروویژن ۲۰۱۲ اجرا شده بود که طی آن، حاج محسن صمدوف، رهبر حزب اسلام، حاج آبگل سلیمانوف، رهبر اتحادیه ارزش‌های ملی-معنوی، حجت‌الاسلام فرامیز عباس اف، روح الله آخوندزاده، رئیس شعبه حزب اسلام در آستارا و ده‌ها تن دیگر از فعالان و روحانیون جمهوری آذربایجان در شهرهای باکو و گنجه و لنکران و ماسالی و جلیل‌آباد و سایر مناطق دستگیر شده بودند.

در موج اول سرکوب شیعیان در جمهوری آذربایجان حاج طالع باقرزاده، رهبر جنبش اتحاد مسلمانان که هنوز در آن زمان این جنبش را تاسیس نکرده بود، نیز دستگیر و زندانی شده بود. حاج طالع باقرزاده پس از آزادی از زندان در سال ۲۰۱۵ میلادی، با مشارکت شماری از فعالان شیعی جمهوری آذربایجان، جنبش اتحاد مسلمانان این کشور را پایه‌گذاری کرد که در مدت کوتاهی به یکی از فعال‌ترین و تاثیرگذارترین سازمان‌های اجتماعی موجود در جمهوری آذربایجان تبدیل شد و فعالیت روشنگرانه این جنبش علیه ظلم وفساد و به‌خصوص مفاسد مالی و بی‌عدالتی در جمهوری آذربایجان، نه تنها عاملان داخلی ظلم و فساد در این کشور، بلکه حامیان خارجی صاحبان قدرت و ثروت در جمهوری آذربایجان را نیز به اندیشه واداشت.

به‌گونه‌ای که همزمان با گسترش فعالیت‌های اتحاد مسلمانان جمهوری آذربایجان در روشنگری دینی و احیای هویت شیعی مردم این کشور طی یک سال گذشته و برگزاری کنفرانس‌های متعدد در زمینه‌های مختلف توسط این جنبش، ارگان‌های تنظیم‌کننده سیاست‌های دولت جمهوری آذربایجان در حوزه دین و به‌خصوص کمیته دولتی امور دینی این کشور نیز همکاری‌های گسترده‌ای را با سازمان‌های یهودی-صهیونیست در آمریکا و اروپا، از جمله سازمان «فراخوان وجدان» در آمریکا و موسسه سیاست‌های توسعه و امنیت سوئد (ISDP) با برگزاری کنفرانس‌هایی در لس‌آنجلس و استکهلم، به اصطلاح «مدل تساهل و چندفرهنگی‌گرایی در آذربایجان» را تبلیغ کردند و رسانه‌های جمهوری آذربایجان نیز در داخل این کشور با تبلیغ گسترده این اقدامات، هرگونه فعالیت دینی و اسلامی را مغایر با اصل تساهل دینی قلمداد کردند تا فضای ذهنی لازم برای سرکوب فعالیت‌های شیعی و تجمعات عزاداری و نمازهای جماعت فراهم شود.

واقعیت آن است که در سال‌های اخیر با احیای سبک زندگی شیعی در جمهوری آذربایجان، برگزاری مراسم عزاداری حسینی و مجالس خیرات و احسان در ماه‌های محرم و صفر نیز به عنوان یکی از رفتارهای شیعی، در مناطق مختلف جمهوری آذربایجان رونق گرفته است و سال به سال نیز بر تعداد این مجالس و احیای سنت عزاداری حسینی افزوده می‌شود. اما، حاکمان «نوگرای» باکو این بازگشت جامعه به سبک زندگی شیعی را نمی‌پسندند.

در مقاله‌ای که روز ۲۸ نوامبر در روزنامه دولتی «آذربایجان» منتشر شد و خبرگزاری ترند و سایر منابع خبری و غیرخبری باکو نیز آن را بازنشر دادند، به صراحت گفته شده بود که اسلام دارای «ظاهر عربی» و «منشأ فارسی» برای جمهوری آذربایجان لازم نیست!

معنای این سخن آن است که دولت جمهوری آذربایجان به هر شیوه‌ای سعی دارد از تمایل مردم این کشور برای احیای سبک زندگی شیعی جلوگیری کند و این اقدام را با نامگذاری‌هایی همچون «شیعه ایرانی»، «اسلام با منشأ فارسی و ظاهر عربی» و ... توجیه می‌کند.

اما، با وجود تمامی تبلیغات و مساعی دولت باکو برای جلوگیری از احیای اسلام اصیل در این کشور، مردم سعی در احیای گذشته خود و زنده کردن سبک زندگی شیعی خود دارند و در عین حال، حکومت برای تداوم سبک زندگی آتئیستی برجای مانده از زمان شوروی، به شدت تلاش می‌کند.این چالش و تقابل میان مردم و دولت جمهوری آذربایجان، موجب شده است که دولت باکو ظلم شدیدی را بر مردم و به‌خصوص شیعیان این کشور اعمال کند. ظلمی که در جمهوری آذربایجان بر شیعیان می‌شود، حتی در بحرین نیز اعمال نمی‌شود.

واقعه روز پنجشنبه ۱۴ صفر در نارداران واقعه دردناکی بود که مشابه حملات وهابی‌ها به مجالس عزاداری در عربستان سعودی می‌باشد.

در حالی که در جمهوری آذربایجان بر سیاست تساهل دینی و چندفرهنگی گرایی تاکید می‌شود (البته معنای واقعی تاکید بر چندفرهنگی گرایی، تاکید بر این است که جمهوری آذربایجان جامعه‌ای شیعی محسوب نمی‌شود و جامعه‌ای چندفرهنگی است!!)، هیچ‌گونه تساهلی در خصوص احیای سبک زندگی شیعی توسط اکثریت مردم این کشور اعمال نمی‌شود و برعکس، با بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌ها این تمایل مردم شیعه جمهوری آذربایجان سرکوب می‌شود. برای درک بهتر موضوع، یک لحظه تصور کنیم که آیا اگر حق نداشتیم در منزلمان یک مراسم روضه برگزار و برای امام حسین(ع) گریه کنیم، و اگر روضه برگزار می‌کردیم و همانطور که در منزل ابوالفضل بنیادوف در نارداران اتفاق افتاد، حمله نظامی به منزلمان می‌شد، چه حالی داشتیم؟

در حمله نظامی به مجلس عزای امام حسین(ع) در منزل ابوالفضل بنیادوف در نارداران، چهار نفر از عزاداران را در همان منزل به شهادت رساندند. یک نفر از زخمی‌ها نیز دو روز بعد، در بیمارستان یا بازداشتگاه به درجه رفیع شهادت نائل شده است. حاج طالع باقرزاده، روحانی سرشناسی که برای سخنرانی در این مجلس دعوت شده بود و ابوالفضل بنیادوف (صاحب خانه) و حاج ذوالفقار میکاییل‌زاده (که اساسا در این مجلس عزاداری حضور نداشت و در منطقه دیگری دستگیر شد) و ۱۲ نفر بازداشتی دیگر در باندوتدل (اداره مبارزه با جرایم سازمان یافته) وزارت کشور جمهوری آذربایجان) تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار دارند. متاسفانه در ایران نیز در این زمینه بایکوت خبری حاکم است. حال آنکه، ظلمی که به شیعیان جمهوری آذربایجان می‌شود از ظلم به شیعیان بحرین شدیدتر است. شاید تاکنون آل خلیفه در یک مجلس عزاداری حسینی، چهار شیعه عزادار را یکجا به شهادت نرسانده باشد. اما آل علی‌اف در جمهوری آذربایجان، چنین سابقه‌ای از خود برجای گذاشته است.

ادامه دارد

اختلاف‌افکنی بین مسئولان، بخشی از پروژه نفوذ

■ **علی اکبری**

مسئولین کشور موظف به اجرای تدابیر رهبر معظم انقلاب هستند و هیچ عذر و بهانه‌ای نمی‌تواند مستمسکی برای فرار از این مسئله باشد. حضرت آقا اختلاف‌افکنی بین مسئولان ارشد کشور را به عنوان یکی از مصادیق نفوذ دشمن برشمرده‌اند. در تاریخ ۱۰ آبان ماه سال ۱۳۹۱ و تنها چند روز قبل از روز ملی مبارزه با استکبار، مقام معظم رهبری با اشاره به تلاش جریان نفوذی دشمن برای ایجاد اختلاف بین مسئولین جمهوری اسلامی ایران‌فرمودند: «یکی از کارهای مهم آنها [دشمن] این است که با روش‌های موذیانه و موریانه‌وار، بین ما اختلاف بیندازند؛ این جزو کارهای رایج این‌هاست، این کار را از قدیم انجام می‌دادند. البته متبحر و کارشناس کامل این کار، انگلیسی‌های خبیث‌اند؛ آنها در زمینه ایجاد اختلاف، از همه کارشناس‌ترند؛ آمریکایی‌ها پیش آنها شاگردی می‌کنند، از آنها یاد می‌گیرند! ایجاد اختلاف از راه‌های نفوذ، مثل موش‌های دزد، مثل موریانه، وارد شدن و نفوذ کردن؛ اینها جزو کارهای متعارف آنهاست. ما باید حواسمان جمع باشد. باید اختلافات به حداقل برسد. اختلافات مضر است. هم اختلافات بین مسئولین مضر است؛ هم بدتر از آن، کشاندن اختلاف میان مردم مضر است. این را من به مسئولین، به رؤسای محترم هشدار می‌دهم. من از رؤسای قوا حمایت کردم، باز هم حمایت می‌کنم- مسئول‌اند، باید کمکشان کرد- اما به آنها هشدار می‌دهم، مراقب باشند... اختلافات را به میان مردم نکشانند، چیزهای جزئی را مایه جنجال و هیاهو و استفاده تبلیغاتی دشمن و خوراک تبلیغاتی رادیوهای بیگانه و تلویزیون‌های بیگانه نکنند.» در سال جاری نیز موضوع نفوذ و مراقبت از آن یکی از نکات اساسی است که رهبر معظم انقلاب به طور مکرر بر آن تأکید داشته‌اند و این توقع وجود دارد که مسئولان عالی‌رتبه نظام، اولین لبیک گویان به این سخنان باشند. متأسفانه چالش بین رؤسای دو قوه مجریه و قضاییه که با سخنان رئیس‌جمهور محترم آغاز شد، نشان داد که ظاهراً ماجرای اختلاف بین مسئولین و بدتر از آن کشاندن این اختلاف به جامعه تمامی ندارد و تفاوتی هم نمی‌کند که چه کسی در منصب ریاست جمهوری نشسته باشد و یا این که موضوع اختلافی تا چه میزان واقعی یا تصنعی باشد. آنچه مهم است این است که ظاهراً یکی از دلایل عمده طرح چنین سخنانی، پرداختن به حواشی به منظور فرار از متن باشد. رئیس‌جمهور محترم که خود را یک حقوقدان معرفی نموده‌اند به خوبی واقف‌اند که وظیفه قوه مجریه، از سنخ اجرا است و دولت محترم باید تمام تدابیر را برای انجام مأموریت خود که یکی از شاخه‌های اصلی آن درحال حاضر پیاده‌سازی مبنای اقتصاد مقاومتی است، به کار گیرد. امری که متأسفانه آن‌چنان که باید، مورد توجه و اهتمام دولت محترم قرار نداشته و همین امر باعث بروز برخی مشکلات اقتصادی در کشور شده است. قانون اساسی کشور اصل استقلال قوا را به رسمیت شناخته است و نمی‌توان به بهانه‌های واهی این اصل را مورد خدشه قرار داد؛ بنابراین دخالت در امور دستگاه قضایی و یا وظایف شورای نگهبان به‌گونه‌ای که رئیس‌جمهور محترم در سخنان خود در نمایشگاه مطبوعات به آن اشاره نمودند، کمترین جایگاه حقوقی و قانونی ندارد. ایشان در سخنان خود اعلام کردند: «آیا از پایگاه یک بخش از حکومت به بخش دیگری از حکومت حمله کردن، این شد انقلاب؟ این شد انقلابی‌گری؟» و به این تناقض پاسخ ندادند آیا سخنان ایشان در حمله به قوه قضاییه که بخشی از حکومت است، در تعریف انقلابی‌گری می‌گنجد یا خیر؟ از سوی دیگر سخنان رئیس محترم قوه قضاییه که در مقام پاسخگویی به این سخنان مطرح شد، نکات قابل تأملی را شامل می‌شد. آیت‌الله آملی لاریجانی در پاسخ به سخنان رئیس‌جمهور اظهار داشتند: «رئیس‌جمهور محترم دو سه عبارت را به کار بردند از جمله این که قوه قضاییه باید مأمن جامعه باشد و اگر نمک سالم باشد، هر چیزی اشکال داشته باشد می‌توان جلوی آن را گرفت اما اگر نمک فاسد شود کار بسیار سخت می‌شود، باید پرسید مقصود از این جملات شرطی چیست آن هم درحالی که این جملات درمورد قوه مجریه هم کاربرد دارد و می‌توان گفت اگر قوه مجریه فاسد شود، اگر دولت فاسد شود و اگر رئیس‌جمهور فاسد شود کار سخت می‌شود. اگر مقصود این است که القا کنیم قوه قضاییه این‌طور شده است که افترا است و اگر غیر از آن باشد اهانت است»؛ به جرئت می‌توان گفت این سخنان، نوعی اعلام جرم توسط ایشان علیه رئیس‌جمهور بود؛ لیکن آیا واقعاً اختلاف بین مسئولین این دو قوه و در مقطع کنونی که لازم است همدلی و هم‌زبانی بین دولت و ملت وجود داشته باشد، این‌قدر عمیق است که باید در گفت‌وگوی نیابتی و غیرحضوری این دو بزرگوار مطرح شود؟ آیا مسئولان قوا نمی‌توانند این موضوعات را در نشست‌های خودشان حل کنند که دعوا را به میان جامعه می‌کشانند تا مستمسکی به بیگانگان برای القای اختلاف بین مسئولان و ناامیدسازی مردم از حکومت باشد. رئیس‌جمهور محترم در سخنان خویش فرمودند: «بزرگ‌ترین عمل ضدانقلابی ایجاد یأس است» آیا سخنان ایشان مصداقی از ایجاد یأس در جامعه نیست؟ آیا ایشان رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب را رصد کرده‌اند که بعد از این سخنان، چه جنجال و هیاهویی را به راه انداخته‌اند تا یأس و ناامیدی را در کشور تقویت کنند؟ از سوی دیگر رئیس‌جمهور محترم در سخنان خویش به مساوی بودن تمام مردم در برابر قانون اشاره نموده و اظهار داشتند: «ما نیازمند به یک نظام، قانون، مقررات و یکسانی همه در برابر قانون هستیم. افتخار قانون اساسی ما این است که می‌گوید همه افراد حتی رهبری معظم نظام در برابر قانون یکسان‌اند.»

اکنون ایشان به عنوان یک حقوقدان آیا این حق را برای مردم قائل هستند که ببینند قوه قضاییه با سخنان ایشان که به تشخیص قاضی‌القضات کشور، مصداق اهانت یا افترا که هر دو در قانون جرم‌انگاری شده است، می‌باشد، چگونه عمل می‌نماید و آیا ایشان به واسطه مسئولیتشان جزء همان دسته از افرادی است که ظاهراً یک مصونیت دائمی دارند و نمی‌توان به آنها نزدیک شد؟ اینها مواردی است که جامعه را با سردرگمی مواجه می‌کند که به هیچ عنوان نه به نفع دولت است و نه به نفع ملت. شایسته است اگر اختلافی بین مسئولین ارشد کشور وجود دارد در جلسات خصوصی رفع و رجوع گردد و اصولاً فلسفه تشکیل جلسات سران قوا، مگر امری غیر از این است؟ اگر این اختلاف در جلسات مشترک حل نشد نیز قانون‌گذار برای این موارد راهکار مشخص نموده است.

رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۰ دستور تشکیل هیئت عالی حل اختلاف را صادر و اعلام داشتند: «در اجرای بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به منظور بررسی و ارائه نظرات مشورتی در موارد حل اختلاف و تنظیم روابط سه قوه تشکیل می‌گردد.» ریاست این هیئت برعهده آیت‌الله شاهرودی است و قطعاً این هیئت همان‌طور که تاکنون نشان داده ظرفیت مناسبی برای رفع اختلافات است و حتی در صورت عدم توانایی این هیئت برای حل اختلاف بین رؤسای قوا، رهبر معظم انقلاب که سخن ایشان فصل‌الخطاب است، این وظیفه را برعهده دارند و با این وصف هیچ نیازی به کشاندن اختلاف در بین جامعه و مردم وجود ندارد. البته دقت ویژه‌ای نیز باید صورت پذیرد آیا چنین اقداماتی از سوی برخی مسئولان ارشد دولت محترم به علت غفلت و سهل‌انگاری صورت گرفته یا این که جریان نفوذ خود را تا کنار مسئولین ارشد دولتی بالا کشیده که چنین اقداماتی را رقم می‌زند؟ اگر چنین باشد قطعاً باعث نگرانی است و همه دلسوزان نظام وظیفه دارند این جریان یا افراد نفوذی را شناسایی و معرفی نمایند.

با قبولی در پزشکی روزانه سراسری، روح مادربزرگم را شاد کردم

استاد حسین احمدی

اولین و تنها مشاور و برنامه ریز کنکور از ایران/ دارای مقالات برگزیده در کنفرانس‌های بین‌المللی آموزشی جهان: والنسیای اسپانیا inted۲۰۰۹ / رم ایتالیا، بانکوک تایلند و... / رتبه‌ی برتر مهندسی از دانشگاه تهران / تقدیر شده در بیش از ۲۰ منطقه آموزش پرورش سراسر کشور و دانشگاه / رتبه ۱ کارشناسی ارشد مترجمی عربی دانشگاه سراسری تهران / مؤلف جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده آموزشی و برنامه‌ریزی رتبه‌های برتر کنکور از سال ۱۳۷۳ تا به امروز / بنیانگذار برنامه‌های رادیو و تلویزیونی «**کنکور آسان است**» و «**درس خواندن آسان است**» و «**طعم مطالعه» و مدیر مسئول گیلنا و رمز زندگی**

با قبولی در پزشکی روزانه سراسری، روح سراسری، روح مادربزرگم را شاد کردم

من حجت‌اله علایی هستم از شهرستان خوانسار

قبل از هر چیز می‌خوام بگم: خدا جون شکرت

می‌خوام داستان کنکور مو براتون بگم شاید بشه گفت اون اتفاق مهمه‌ی زندگی کنکوری من سوم دبیرستان افتاد ولی می‌خوام از اول شروع کنم از اول ابتدایی که به مدرسه رفتم همیشه شاگرد اول بودم و هر سال رو با معدل ۲۰ سپری می‌کردم و یه حس غرور خاصی هم همیشه داشتم تا اینکه سوم دبیرستان اولین آزمون پیشرفت تحصیلی مدرسه برگزار شد. سر جلسه‌ی آزمون نمی‌تونستم بعضی سوال‌ها را حل کنم، از بس به خودم اعتماد داشتم اول فکر می‌کردم سوالا غلطه، یکم که پیش رفتم آروم آروم به خودم شک کردم، گفتم مگه میشه این همه سوال غلط؟ نکنه مشکل از منه؟ تو درس فیزیک حتی نتونستم یک مساله هم حل کنم! وقتی کارنامه اومد تو شهرستان اول شده بدم ولی رتبه کل‌ام حدود ۷۰۰۰ بود. این رتبه مثل یک پتک، شخصیتی رو که تو ذهنم از خودم ساخته بودم خراب کرد. یه حس خیلی بدی پیدا کرده بودم. حالم خراب بود نفهمیدم اون روز چطور گذشت. شب قبل از خواب رادیوی موبایلمو روشن کردم و الکی بین شبکه‌ها می‌چرخیدم. شنیدم یکی گفت: کنکور آسان است یه لبخند از روی تمسخر زدم و کانال رو عوض کردم بعد از اون جمله بازم بین شبکه‌ها می‌چرخیدم ولی هیچ چیز نمی‌شنیدم چون داشتم به آزمون اون روزم فکر می‌کردم، بعد از چند دقیقه به خودم اومدم و کانال‌ها را تند تند عوض کردم تا صدای اون آقایی که این جمله رو گفته بود پیدا کنم ببینم چی میگه!!! اون شب یک اتفاق مهم برای من بود. با استاد احمدی آشنا شدم و با ایشان تماس گرفتم و کتاب‌ها و DVDها را سفارش دادم و طی چند روز DVDها به دست من رسید. طی چند ماه خیلی پیشرفت کردم و همان سال در آزمون بعدی پیشرفت تحصیلی رتبه‌ام ۱۱۰ شد و مهم‌تر از اون درس فیزیک رو که خودتون از وضع و حالش خبر دارید ۱۰۰ درصد زدم. اون سال با معدل کتبی ۲۰ دیپلم ریاضی گرفتم.

ماراتن کنکور

اول تیر دقیقا وقتی که ماراتن کنکور داشت شروع می‌شد، دودلی عجیبی به من دست داده بود یه حسی بهم می‌گفت آینده‌ی من تو رشته‌ی پزشکی است. یکی دو ماه از تابستان گذشت و هنوز نتوانسته بودم بین رشته‌ی ریاضی و تغییر رشته به تجربی تصمیم بگیرم. یکم زیست می‌خوندم... یکم دیفرانسیل... یک روز پیش این مشاور بودم... یکم پیش اون مشاور... یکم تو این سایت تحقیق می‌کردم... یکم تو اون سایت... واقعا پریشون و سردرگم بودم تا اینکه یه شب به استاد احمدی زنگ زدم یه عالمه با هم حرف زدیم و نتیجه این که مثل قبل آرامشمو به دست آوردم چون با اطمینان راه آینده‌ی خودم یعنی رشته تجربی را پیدا کرده بودم.

از فردای اون روز با نشاط رفتم سراغ درسم ولی حیف که دیگه چیز زیادی از تابستون نمونده بود. اون یک ماهی هم که بود صرف پاس کردن امتحان‌های تغییر رشته شد. اول مهر شد در حالی که نه از تابستون استفاده‌ی درستی کرده بودم و نه روز یست زیاد مسلط بودم، در همین حین مادربزرگم هم مریض شده بود و نگرانش بودم (آخه پدر و مادرم کارمندند و از بچگی پیش او بزرگ شدم)

خلاصه بگم عزمم رو جزم کردم، DVDهای سال چهارم VVip استاد احمدی رو هم گرفتم و حسابی تو این مدت زمانی که وقت داشتم روشون وقت گذاشتم و کار کردم. نهایتا تا حدود بهمن و اسفند تراز آزمون‌هایم خیلی بالا رفت، تو کل این مدت مادربزرگم تو بیمارستان بود و قبل عید بود که دکترها فهمیدند سرطان مغز استخوان داره این اتفاق خیلی ذهنمو مشغول کرده بود و اصلا نمی‌تونستم خوب درس بخوانم، ترازم هم حسابی افت کرد. هر دفعه می‌رفتم بیمارستان می‌دیدم ضعیف‌تر و نحیف‌تر از قبل شده.

آرزوی مادربزرگ

عید به بعد یه انگیزه بزرگ داشتم و اون جمله‌ای بود که مادربزرگم وقتی عید رفتم دیدنش بهم گفت. گفت «خوب درس بخون دکتر بشی برایم نسخه بنویسی، درمونم کنی» فروردین رو خوب درس خواندم و تا حدودی توانستم عقب‌موندگی‌هایم رو جبران کنم. اوایل اردیبهشت حال مادربزرگم روز به روز بدتر می‌شد ولی من با اینکه اصلا نمی‌توانستم از فکرش بیرون یام سعی می‌کردم خوب درس بخونم. مادربزرگم ۱۷ اردیبهشت فوت شد.

تا چند روزی تو خودم بودم و اصلا نتونستم برم سر درس، کنکور داشت نزدیک می‌شد و تنها یک ماه تا ۲۴ خرداد مانده بود. تو این مدت سعی کردم خودم رو پیدا کنم، درس بخوانم و مادربزرگم رو تو اون دنیا خوشحال کنم. توانستم مدت باقیمانده رو برای یک جمع‌بندی خوب استفاده کنم.

دو روز مونده بود به کنکور که دایی اسماعیل‌ام فوت کرد و...

دیگه نمی‌خوام چیزی بگم فقط:روزی که نتیجه‌ها اومد خیلی دوست داشتم شیرینی بگیرم و اول برم خونه مادربزرگم و بهش بگم پزشکی اصفهان قبول شدم ولی رفتم سر خاکش. کارناممو گذاشتم روی قبر و جعبه‌ی شیرینی رو که آورده بودم خیرات کردم. آری من پزشکی سراسری اصفهان قبول شدم.

ارتباط مستقیم با استاد حسین احمدی ۰۹۱۲۱۹۶۵۸۰۲-۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲
۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ پیامک ۰۲۱-۶۶۴۰۹۰۰۷

چگونه با معدل ۱۱/۲۳ و رتبه ۱۳۰ هزار دانشجوی دندانپزشکی روزانه سراسری شدم؟

از شکست درس بگیر

آنقدر افتادم، افتادم، افتادم تا جلو افتادم... در هر کاری هر چند سخت و نامکن برای رسیدن به هدف و مقصد با تلاش و پشتکار فراوان این نامکن تبدیل به ممکن می‌شود و راه شما آسان. همان‌طوری که قطره‌های لطیف آب فقط با پشتکار حتی سنگ را می‌شکافند. پس باید صبور باشیم و بدانیم که عجله در هر کاری سرانجام خوبی ندارد و راه‌تان را طولانی‌تر می‌کند. من میلاد علی‌نیا دانشجوی دندان‌پزشکی دانشگاه سراسری روزانه هستم که از شکست درس گرفتم و از درد به درک رسیدم.

آمادگی برای کنکور ۹۰

روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۹ بود، که همه برای کنکور آماده می‌شدند. من هم مثل همه تصمیم گرفتم که در کلاس کنکور ثبت نام کنم. به تنها چیزی که فکر می‌:ردم قبولی در رشته‌ی دندان‌پزشکی بود.

بعد از گذشت ۷ ماه

امروز ۲۸ اسفند ماه، هنوز نتوانستم درسامو تموم کنم و حتی به ۲۰ درصد برنامم عمل نکرده‌ام. پر از استرس‌ام هر روز که می‌گذره، فشار دروس نخوانده و تنگی وقت رو بیشتر احساس می‌کنم. چطور می‌تونم زمان رو مدیریت کنم تا هم به کلاس‌هام برسم و هم به درسام. چطور میخوام با روزی ۹ ساعت کلاس داشتن به همون اندازه زمان واسه مطالعه داشته باشم؟ چرا هر چه یاد می‌گیرم زود از خاطرم فراموش میشه؟ این‌ها سؤال‌هایی بود که هیچ‌وقت رهایم نمی‌کرد. شرایطم سخت بود. اما باید همین وضع رو تا کنکور باید ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم آیا روش مطالعه‌ام درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ می‌رسه و من با استرس زیاد و تجربه‌ی کم و تقریبا بدون آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و همکلاسی‌هام درست بود من با معدل ۱۱/۲۳ نمی‌تونستم هیچ‌وقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضعیتم رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما هیچ‌کدوم از اونا نتونستن وضعیتم رو تغییر بدن. حرف همشون این بود که: میلاد می‌تونی به رشته دیگه هم فکر کنی. همه رشته‌ها خوبن. اما هیچ‌کدوم نمی‌دونستن که من رو هدفم پافشاری می‌کنم. در جوابشون می‌گفتم ۱۲ سال درس خوندم برای یک هدف اون هم دندون‌پزشکی که در نهایت لبخندی جهت تمسخر می‌زدن و ختم جلسه. در تمام طول عمرم هیچ‌وقت شرایطی به دشواری اون زمان نداشتم. در شرایطی که اکثر دوستام به دانشگاه رفتن و من حتی مجاز به انتخاب رشته هم نشدم. رتبه ۱۳۰ هزار منطقه ۲، نهایت فاجعه بود. رتبه‌ای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم می‌کردم.

آشنایی با استاد

گفتم برای آخرین بار در کنکور شرکت کنم اما نتونستم وضعیت روحی‌ام رو تغییر بدم. این وضعیت تا اواخر سال ۹۰ یعنی تا دی ماه ادامه داشت، تا اینکه در یکی از مجلات مقاله‌ای خوندم. کاری که استاد می‌کرد برای غیرقابل باور بود. مگه میشه با تکنیک خاصی استرس، ترس و نگرانی‌هام رو رها کنم؟! بله می‌شد، مقاله از تکنیک برنامه‌ریزی استاد صحبت می‌کرد. من با خواندن آن مقاله سعی کردم بیشتر بدانم و تحقیق کردم. پس از اینکه اطلاعات کافی رو به دست آوردم با استاد تماس گرفتم و ماجرای کنکورم، شرایط روحی و روانی‌ام رو برای استاد توضیح دادم و اولین تکنیکی که استاد بهم آموزش دادن، تکنیک رفع استرس و اضطراب و آماده‌سازی روحی و روانی بود. مجموعه آلفای ذهنی استاد رو دریافت کردم و پس از آن با برنامه استاد تصمیم گرفتم از اساتیدی استفاده کنم که با استفاده از تکنیک‌های برتری که در اختیار داشتن می‌تونستن راه کنکور رو بسیار ساده کنند. پس کارم رو شروع کردم و استاد به من آموخت که اگر بخوام همه چیز را می‌تونم تغییر بدم یا به قولی (خواستن، توانستن است) و من به آن ایمان پیدا کردم.

استاد واقعاً استاد است:

وقتی به استاد احمدی مراجعه کردم، پس از دقایقی که با من صحبت کرد بعضی از تکنیک‌های آلفای ذهنی (مثل تکنیک پاک کردن خاطرات منفی در چند دقیقه) رو در مورد من اجرا کرد و روحیه‌ام بسیار قوی و عالی شد و هیچ وقت فراموش نمی‌کنم که از آن روز به بعد از لحاظ فکری بسیار پیشرفت کردم که این را مدیون استاد احمدی هستم. در ادامه پس از اینکه از لحاظ روحی آماده شدم خیلی زود بعد از کارشناسی کردن منابع و انتخاب اون‌ها توسط استاد منابع مورد نیازم را تهیه کردم و کارم را شروع کردم. من پشت کنکور بودم و نمی‌خواستم اشتباهی که سال قبل انجام دادم رو دوباره تکرار کنم به همین خاطر دیگه کلاس نرفتم و به پیشنهاد استاد از لوح‌های فشرده تدریس اساتید که به صورت کاملا تکنیکی و راهبردی بود استفاده کردم و هر موقع سوالی داشتم با ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲ تماس می‌گرفتم.

در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم و با توجه به این‌که دندانپزشکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم

نتیجه‌ی غیرقابل باور

با تلاش، پشتکار و علاقه‌ای که داشتم تونستم با لوح‌های فشرده‌ی اساتید و برنامه‌ریزی دقیق و گام به گام ایمیج میکینگ استاد، کمتر از ۲ ماه تغییر بزرگی رو در خودم ببینم. نتیجه‌ای که در آزمون سنجش برایم حاصل شد همه را شوکه کرده بود. من در عرض کمتر از ۲ ماه ترازم حدود ۲۵۰۰ تا پیشرفت کرده بود. بی‌وقفه به حضور استاد رسیدم و استاد با بررسی درصدهایم و همچنین مشاهده دروس ضعیفم سریعاً در همان دروس تکنیک‌ها را مستقیما به من ارائه دادن و من با تلاش و پشتکار خود و پس از بارها استفاده از آن تکنیک‌ها تونستم به خوبی در تست از آن‌ها بهره‌مند شوم. پس از آمادگی و تسلط بر همه‌ی دروس در نهایت برای عملکرد بهتر و سریع‌تر در تست‌ها، استاد با در اختیار گذاشتن لوح‌های فشرده تکنیک‌های تست‌زنی مافوق حرفه‌ای مرا در سه درس که در آزمون‌های آزمایشی بالاترین درصد را داشتم به درصد ۱۰۰ نزدیک کرد. در روز کنکور وقتی برخی از داوطلبان با دیدن سوالات به وحشت می‌افتادند من شادتر و شادتر می‌شدم و بالاخره من به رؤیا و هدفم که دندان‌پزشکی روزانه بود رسیدم و توانستم ۲ درس تخصصی زیست و شیمی را ۹۲ و ۸۹ درصد و دین و زندگی را بالای ۸۷ درصد بزنم و در ضمن زیست آزاد را هم ۱۰۰ درصد زدم و انتخاب اول قبول شدم. با توجه به این‌که دندان‌پزشکی سراسری قبول شدم دیگر دانشگاه آزاد را ثبت نام نکردم.

استاد احمدی

چگونه می‌خوای با معدل کتبی ۱۱/۲۳ به دندونپزشکی برسی؟! تو که از خیلی‌ها درست ضعیف‌تره وقتی اونا نتونستن مگر اون‌وقت تو می‌تونی؟! شاگرد اول کلاس امیدی نداره اونوقت تو... این‌ها حرف‌هایی بودن که همکلاسی‌هام زمان دبیرستان بهم می‌گفتن، چون همه می‌دونستن که من همیشه حرف از قبولی تو این رشته می‌زنم و همیشه با این حرف‌ها می‌خواستن ناامیدم کنن، اما من توجهی به اونا نکردم.

حالا از خودتون می‌پرسید که چرا سال اول نتونستم؟ در واقع من استاد احمدی را نداشتم.

حرف آخر؛ یک پیشنهاد یا درد و دل دوستانه

همه‌ی شما بدونید که سرگذشت کنکورم (که الآن جزئی از خاطرات خوش زندگیمه) رو برای شما دوست کنکوری یا دبیرستانی‌ام نوشتم تا بدانی که انسان اشرف مخلوقاته و هر وقت که بخوای می‌تونی آینده‌ات را با اندیشه و تلاش تغییر بدی به طوری که مطابق میل خودت باشه و به یاری خداوند به بهترین زندگی برسی. چرا که اگر می‌بینی خداوند هدفی را که در دلت نهاده قطعاً تو رو شایسته‌ی رسیدن به اون هدف دونسته پس سعی کن با تلاش و توکل بر خدا حتماً به هدفت برسی. خداوند در قرآن می‌فرماید: «من یتوکل علی‌الله فهو حسبه» (هر که اتکایش به خدا باشد خدا برای او کافی است) و «ان الله یحب المتوکلین» (خداوند توکل کنندگان را دوست دارد) با یاد و توکل به خدا از زندگی لذت ببر و به دنیا بخند، همین الآن وقتشه، بله بخند تا درهای امید به رویت باز شه، به امید یاری حق.

«هرگز روزت را با تکه‌های شکسته‌ی دیروز آغاز مکن امروز روز دیگریست.»

برای مشاوره و برنامه‌ریزی تحصیلی و ارتباط با استاد حسین احمدی با شماره‌های

۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲
۰۹۱۲۱۹۶۵۷۵۱
۰۲۱ - ۶۶۴۰۹۰۹۰
۰۹۱۲۱۰۰۹۶۵۶ پیامک
تماس بگیرید